

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا  
سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۴، پیاپی ۱۱۴، زمستان ۱۳۹۳

## اوضاع سیاسی کردستان از مرگ نادر تا اواخر زندیه (سال‌های ۱۱۶۰ - ۱۲۰۰ ه.ق)

جهانبخش ثواقب<sup>۱</sup>  
پرستو مظفری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۴/۴

### چکیده

در پی مرگ نادر شاه افشار، ایالت کردستان به مرکزیت سنندج که خاندان متنفذ و محلی اردلان بر آن حکومت می‌کردند، همچون بسیاری از ایالات دستخوش تغییر و تبدیل قدرت از سوی مدعیان حکومت ایران شد. همچنین، شرایط راهبردی این ایالت در همسایگی عثمانی زمینه را برای دخالت‌های مکرر بابعالی از طریق سرحداران آنان (بابان‌ها) فراهم کرد. نبودن حکومتی یکپارچه و متمرکز در ایران به گسترش دامنه‌ی نفوذ عثمانی‌ها منجر شد؛ به

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان. Jahan\_savagheb@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه لرستان

طوری که در همین دوره، چندین بار حکومت کردستان از خاندان اردلان گرفته شد و به دست پاشایان شهرزور و سلیمانیه اداره گردید. محدوده‌ی زمانی پس از مرگ نادر تا سال‌های پایانی حکومت زندیه (سال‌های ۱۱۶۰-۱۲۰۰ه.ق)، به دلیل حوادث و دگرگونی‌های آن یکی از دوره‌های پرحادثه در تاریخ کردستان است. در پژوهش حاضر، دلیل و چگونگی تحولات سیاسی کردستان، نقش و عملکرد حکام اردلان در این تحولات و روابط و مناسبات آنان با صاحبان قدرت در این دوره را بررسی و علل ناآرامی‌های این ایالت را مشخص می‌کنیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بحران خلاء قدرت پس از مرگ نادر و نبودن حکومتی یکپارچه و مقتدر در ایران، سیاست‌های نادرست برخی حکام اردلان در این دوره، روابط نامناسب میان خاندان زندیه و خاندان اردلان و رقابت پاشایان بایان برای سلطه بر کردستان، از جمله علل مهم ناآرامی‌های کردستان در این برهه بوده‌اند.

**واژگان کلیدی:** کردستان، بنی اردلان، زندیه، بایان‌ها، حسنعلی خان، خسرو خان، کریم خان زند.

## ۱. مقدمه

پس از مرگ نادر شاه افشار، ایران بار دیگر وارد دوره‌ای از آشوب و بحران شد. بخشی از این ناآرامی‌ها پیامد عملکرد نادرست جانشینان نادر و اختلافات داخلی آنان بود. عدم وجود جانشینی لایق و اختلافات خانوادگی افشاریه پس از نادر به ظهور مدعیان قدرت در سراسر ایران منجر شد. کریم خان زند، آزاد خان افغان و علیمردان خان بختیاری از چهره‌های شاخص این جریان بودند. با توجه به اوضاع نابسامان سیاسی ایران و چرخش قدرت میان رقبای مذکور، بسیاری از خوانین و رؤسای محلی نیز در پی تثبیت و حفظ

قدرت خود برآمدند؛ از این رو، در این گیرودار، تغییر مواضع متعدد از سوی آنان امری طبیعی و آشکار بود. یکی از پیامدهای این تغییر مواضع، کشیده شدن دامنه‌ی آشوب و ناامنی به ولایات و ایالات مختلف بود. یکی از این ایالات که بنابر موقعیت جغرافیایی و سیاسی خود در این مقطع زمانی تحت تأثیر خلاء قدرت مرکزی، عرصه‌ی تاخت و تاز سپاه رقیبان تاج و تخت ایران و دست‌نشانندگان آنان قرار گرفت، کردستان به مرکزیت سنندج بود که خاندان اردلان بر آن حکمرانی می‌کردند. سابقه‌ی حکومت خاندان اردلان در این منطقه به دوره‌ی ایلخانان مغول بازمی‌گردد. موقعیت خاص ایالت کردستان موجب شد که در سراسر حیات سیاسی بنی‌اردلان، قلمرو حکومتی آنان کانون توجه صاحبان قدرت مرکزی در ایران قرار گیرد. مقارن با ظهور سلسله‌ی زندیه نیز در این ایالت، خاندان متنفذ و محلی اردلان حکومت می‌کردند. هدف اصلی ما در این مقاله، بررسی اوضاع سیاسی کردستان ایران در این دوره و نحوه‌ی تعاملات خاندان اردلان با دولت مرکزی زندیه است تا بتوانیم به پرسش‌های زیر پاسخ‌های مناسبی دهیم:

۱. علل ناآرامی‌های کردستان در فاصله‌ی پس از مرگ نادر تا اندکی پس از

مرگ کریم خان زند چه بوده است؟

۲. چرا کریم خان زند پس از تثبیت قدرت، از حکام بابان در برابر والیان اردلان

حمایت کرد؟

این پژوهش را با رویکردی توصیفی-تحلیلی سامان داده‌ایم و برای دستیابی به گزارش‌های تاریخی آن، به وقایع‌نگاری‌های رسمی، تواریخ محلی مورخان گُرد و پژوهش‌های جدید مربوط به موضوع مراجعه کردیم. با وجود گزارش‌های روایی پراکنده و چند اثر تألیفی درمورد کردها، مناسبات حکومت محلی اردلان با دولت مرکزی ایران در محدوده‌ی زمانی این پژوهش چنانکه لازم است، بررسی نشده است. هادیان (۱۳۸۹) در پژوهشی درباره‌ی تاریخ و جغرافیای کردستان، شرحی از دوران سروری خاندان اردلان را از آغاز تا پایان قاجاریه ارائه داده و اشاره‌ای به وضع این ایالت در دوره‌ی زندیه کرده است. او در پایان‌نامه‌ی دکترای خود (۱۳۹۱)، جایگاه و کارکرد نخبگان گُرد را در دولت مرکزی با مقایسه‌ی دوره‌ی صفویه و قاجاریه بررسی کرده که گستره‌ی وسیعی از همه‌ی